



مهدی سلطانی رنانی

## ولادت

سید علی قاضی طباطبائی در سیزده ذی الحجة سال ۱۲۸۵، پا به عرصه وجود گذاشت.

پدر ایشان، سید حسین قاضی رحمته الله علیه انسانی بزرگ و وارسته بود که از شاگردان بنام و برجسته آیه الله العظمی میرزا محمد حسن شیرازی رحمته الله علیه به شمار می آمد و از ایشان اجازه اجتهاد داشت.<sup>۱</sup>

درباره ایشان آمده: زمانی که قصد داشت سامرا را ترک کند و به زادگاهش تبریز بازگردد، استادش میرزای شیرازی به او فرمود: «در شبانه روز

یک ساعت را برای خودت بگذار!» مرحوم آقا سید حسین در تبریز چنان مشغول امور الهیه می گردد که یک سال بعد چند نفر از تجار تبریز به سامرا مشرف می شوند و با آیه الله میرزا محمد حسن شیرازی رحمته الله علیه ملاقات می کنند؛ وقتی ایشان احوال شاگرد خویش را استفسار می کنند، آنان در جواب می گویند: یک ساعتی که شما نصیحت فرموده اید، تمام اوقات ایشان را گرفته و در شب و روز با خدای خود

۱. گنجینه دانشمندان، محمد رازی، تهران، کتابفروشی اسلامی، چاپ اول، ۱۳۵۲ ش، ج ۲، ص ۲۲۸.

مراوده دارند.<sup>۱</sup>

### آغاز تحصیلات

سید علی قاضی از همان ابتدای جوانی تحصیلات خود را نزد پدر بزرگوارش سید حسین قاضی و نیز در نزد میرزا موسوی تبریزی و میرزا محمد علی قراچه داغی آغاز نمود.

پدر به علم تفسیر علاقه و رغبت خاصی داشت؛ چنانکه خود میرزا علی تصریح می‌کند که تفسیر کشاف را نزد ایشان خوانده است. همچنین ادبیات عربی و فارسی را نزد شاعر نامی و دانشمند معروف، میرزا محمد تقی تبریزی، متخلص به «نیره» خواند و از ایشان اشعار بسیاری به عربی و فارسی نقل می‌کرد.<sup>۲</sup>

سید علی در سال ۱۳۰۸ ه.ق، با آتشی از شوق و عشق برای زیارت امام العارفین علی علیه السلام همراه با کاروانی که به نجف اشرف مشرف می‌شد، به این دیار وارد شدند و تحت تربیت مرحوم آیه الحق آقای سید احمد کربلایی تهرانی رحمته الله قرار گرفتند و با مراقبت ایشان طی طریق می‌نمودند. بدین‌گونه تا آخر عمر نیز لجنف اشرف

را موطن اصلی خویش قرار دادند.<sup>۳</sup>

### کسب درجه اجتهاد

آیه الله قاضی رحمته الله پس از اقامت در نجف اشرف، تحصیلات حوزوی خود را نزد اساتیدی چون فاضل شریبانی، شیخ محمد دامغانی، آقای شریعت و ملّا آخوند خراسانی ادامه دادند و سرانجام، تلاشهای خستگی‌ناپذیرشان در راه کسب کمال و دانش در سن ۲۷ سالگی به ثمر نشست و در عنفوان جوانی به درجه اجتهاد نائل آمدند.<sup>۴</sup>

### اساتید عرفان

جوهره حرکت معنوی و سلوک عرفانی آیه الله قاضی برگرفته از پدر

۱. مہر تابان، سید محمد حسین حسینی تهرانی، تهران، انتشارات باقر العلوم، چاپ اول، بی تا، ص ۱۸.
۲. صفحات من تاریخ الأعلام فی النجف، محمد حسن قاضی، بدون ناشر، چاپ اول، صص ۱۹-۲۰.
۳. صلح کل، ناگفته‌هایی درباره زندگی مرحوم آیه الله سید میرزا علی قاضی رحمته الله، جمعی از نویسندگان، تهران، انتشارات شمس الشموس، چاپ اول، بهار ۱۳۸۲، صص ۱۰-۱۱.
۴. دریای عرفان، هادی هاشمیان، قم، مؤسسه فرهنگی طه، زمستان ۱۳۷۹، چاپ اول، ص ۳۰.

و علوم قرآنی هم بی نظیر بود. همچنین از جهت ادبیات عرب، لغت و فصاحت بی نظیر بود؛ حتی از جهت تجوید و قرائت قرآن. در مجالس فاتحه‌ای که احیاناً حضور پیدا می نمود، کم تر قاری قرآن بود که جرأت خواندن در حضور ایشان را داشته باشد؛ چرا که اشکالهای تجویدی و نحوه قرائت آنها را می گفت.<sup>۳</sup>

#### شاگردان

آیه الله قاضی رحمته الله علیه سه دوره، اخلاق و عرفان اسلامی را با کلام نافذ و عقل صالح خویش تدریس نمودند و در هر دوره شاگردانی پرورش دادند که هر کدام، از بزرگان وادی عرفان و اخلاق محسوب می شوند. تعدادی از آنان عبارت‌اند از: آیه الله شیخ محمد تقی آملی، آیه الله سید محمد حسین

بزرگوارشان مرحوم سید حسین قاضی بود؛ زیرا ایشان از سن جوانی تحت تربیت والد ارجمندشان بودند و بعد از ورود به نجف، نزد آیه الله شیخ محمد بهاری و آیه الله سید احمد کربلایی معروف به «واحدالعین» که هر دو از شاگردان مبرز مرحوم ملا حسینقلی همدانی رحمته الله علیه بودند، به کسب مکارم اخلاقی و عرفانی پرداخت.<sup>۱</sup>

وی آن چنان شیفته اساتیدش بود که می فرمود: «چنانچه کسی که طالب راه و سالک طریق الهی باشد، اگر برای پیدا کردن استاد این راه، نصف عمر خود را در جستجو و تفحص بگذراند تا پیدا نماید، ارزش دارد. کسی که به استاد رسید، نصف راه را طی کرده است.»<sup>۲</sup>

#### جامعیت علمی

جناب آقای حاج سید هاشم حدّاد از شاگردان برجسته مکتب عرفانی ایشان بوده است که می فرماید: «مرحوم آقای قاضی یک عالمی بود که از جهت فقاقت بی نظیر بود. از جهت فهم روایت و حدیث و از جهت تفسیر

۱. همان، ص ۲۹؛ تاریخ حکما و عرفا، آنها صدوقی، ص ۱۴۰.

۲. سیر و سلوک منسوب به بحرالعلوم، نجف اشرف، مطبعة الاعلمی، بی تا، ص ۱۷۶.

۳. روح مسجّد، سید محمد حسین حسین تهرانی، مشهد، انتشارات علامه طباطبائی، چاپ اول، ۱۴۱۷ق، ص ۵۰۱.

## ویژگیهای عرفانی

## ۱. خودسازی

آیه الله قاضی رحمته در نهایت فقر به سر می برد؛ به طوری که توان پرداخت اجاره خانه را نداشت. روزی در نجف اشرف صاحب خانه وسایل و اثاث ایشان را بیرون ریخته بود. آقای قاضی مجبور شد با خانواده اش به کوفه برود. در مسجد کوفه، یک بالاخانه ای بود که برای افراد غریب ساخته بودند. ایشان در آنجا سکونت گزیدند. علامه طباطبایی رحمته می فرمودند: «به مسجد کوفه رفتم. دیدم مرحوم قاضی و همه خانواده اش تب کرده اند و مریض هستند. هنگام نماز شد. علی آقا قاضی طبق معمول در اول وقت به نماز ایستاد و بعد از نماز عشاء آن چنان با توجه کامل آیه شریفه «أَمَّنَ الرَّسُولُ»<sup>۳</sup> را تلاوت می فرمود که مثل آنکه اصلاً هیچ مشکلی پیش نیامده است. با

طباطبایی، آیه الله سید محمد حسن طباطبایی، آیه الله محمد تقی بهجت فومنی و حاج سید هاشم حداد.<sup>۱</sup>

## عرفان و تنعمات مادی

آیه الله قاضی رحمته انسانی بسیار بزرگ، وارسته و عارفی بی بدیل بودند و می فرمودند: «دنسیاتان را داشته باشید؛ همسر، فرزندان و تنعمات مادی خدادادی باشند و در همین زندگی طبیعی و عادی سیر و حرکت به سوی خدا و معنویت هم وجود داشته باشد. این است مشرب نمونه عرفانی.»<sup>۲</sup>

ایشان از این رو ظاهری بسیار مرتب و تمیز داشتند؛ موها و دستهایشان را حنا می زدند، به تمیزی کفش خیلی اهمیت می دادند و عطر و بوی خوش استعمال می نمودند و این گونه بودن هنر می خواهد؛ اینکه انسان از لحاظ معنوی در آن عوالم عرفانی باشد و آن چنان شهودات و تجلیات توحیدی برایش منکشف باشد و باز به عالم کثرت که می رسد، زندگی طبیعی و عادی خود را داشته باشد و بر آن تأکید نماید.

۱. صلح کل، ناگفته هایی درباره زندگی مرحوم

آیه الله سید میرزا علی قاضی رحمته، ص ۱۲.

۲. صلح کل، ناگفته هایی درباره زندگی مرحوم

آیه الله سید میرزا علی قاضی رحمته، ص ۲۱.

۳. بقره / ۲۸۵.

در حیرت اند خیره سران از چه عشق دوست  
احباب را به بلند بلا مبتلا کند  
۲. نشانه های تشرف

امام مهدی علیه السلام محور عالم هستی  
و قطب قلوب عارفان است؛ او که  
زمزمه عاشقان در رهش چنین است:  
سویای دل من تا قیامت

میاد از شور سوای تو خالی  
ما حقیقتاً از تشرفات آقای قاضی  
به محضر امام زمان علیه السلام، خبر نداریم؛  
اما گویی انس و قرابتی نزدیک با  
حضرت داشتند و درباره زندگی مهدی  
موعود علیه السلام می فرمودند: «عَیْنُهُ طَبِيعَةٌ»  
یعنی زندگی عادی و طبیعی، مانند  
سایر انسانها دارند و وقتی پسر ایشان  
از محضرشان می پرسند که چگونه  
می شود؟ می فرمایند: «بیش تر از این از  
من نپرسید.»

آقا سید هاشم حداد می فرمودند:  
«آقای قاضی در قیام و قعود و در تغییر

۱. نقل از آیه الله خسرو شاهی کرمشاهی، ۲۵  
ماه رمضان ۱۴۱۸ ه. ق، سیمای جمهوری  
اسلامی.

۲. زمهر افروخته، علی تهرانی، تهران،  
انتشارات صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش، ص  
۲۱

آرامش و صف ناپذیر و شگفت انگیز به  
ذکر دعا مشغول بود.»<sup>۱</sup>

آری، در چشم عارفان، همه  
حوادث تلخ و شیرین معامله است با  
حضرت دوست، با این زمزمه  
روحانی:  
در بلا هم می کشم لذات او

مات اویم مات اویم مات او  
و این محو و مات در یار شدن  
است که سبب می شود وقتی آقای  
قاضی جلوی منزلشان می رسند و  
اسباب و اثاثیه شان را می بینند که  
صاحبخانه در کسوفه ریخته،  
می فرمایند: «خدا گمان کرده که ما هم  
آدمیم که با ما چنین معامله می کند.»<sup>۲</sup>

تنگی معیشت و فقر در بعضی از  
مقاطع زندگی، آن چنان آقای قاضی و  
خانواده اش را تحت فشار قرار می دهد  
که بعضی از کتابهایشان را می فروشند  
تا از پول آن امرار معاش کنند؛ تحمل  
این مشکلات است که افرادی چون  
قاضی را می سازد.

چون تیر عشق جا به کمان بلا کند  
اول نشست بر دل اهل ولا کند

گفت: همسرم در حال احتضار است و نزدیک است بمیرد. اگر او بمیرد، من هیچ کس را ندارم. خواهش می کنم دعایی بفرمایید حالش خوب شود و از مرگ نجات یابد.

آقای قاضی پس از گوش دادن به حرفهای آن شخص، به آرامی و نزدیک گوش او فرمود: چرا با حالت جنب به اینجا آمده ای؟ برو اول غسل کن! دوباره به اینجا بیا تا دعا کنم. مرد عرب در حالی که از تعجب حیرت زده شده بود، با عجله بلند شد و به منزلش رفت و پس از مدتی باز گشت و در مقابل آقای قاضی مؤذبانه نشست.

مرحوم قاضی دو انگشت سبابه اش را به دو شقیقه پیشانی آن مرد گذاشت و به قرائت دعا مشغول شد و در این مدت مدام اشک چشمانش بر محاسن سفیدش می ریخت. طولی نکشید که دعا تمام شد و مرد عرب به منزلش رفت. من دیگر او را

از حالتی به حالت دیگر خیلی می فرمودند: یا صاحب الزمان! و یک بار وقتی از ایشان پرسیدم: آیا شما خدمت حضرت ولی عصر - ارواحنا فداء - شرف یاب شده اید؟ فرمودند: کور است هر چشمی که صبح از خواب بیدار شود و در اولین نظر نگاهش به آقا امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - نیفتد.<sup>۱</sup> دیده را فایده آن است که دلبر ببیند

و رنبیند چه بود فایده بینایی را

### ۳. روح لطیف

آیه الله سید عبد الکریم رضوی کشمیری رحمته الله می فرمود: «آقای قاضی تمام مکاشفه بود و در اواخر عمرش، بسیار لطیف و رقیق شده بود و با دیدن آب به یاد امام حسین علیه السلام افتاده، می گریست.»<sup>۲</sup>

### ۴. دعای اثر بخش

آیة الله سید عباس حسینی کاشانی نقل نموده اند:

«روزی در محضر مرحوم آقای قاضی نشسته بودیم که ناگهان شخصی با عجله و نازاحتی بسیار، خود را به مجلس ایشان رسانید و با نگرانی بسیار

۱. روح مسجود، آیه الله سید محمد حسین حسینی تهرانی، ص ۵۱۳.

۲. اسوه عارفان، گفته ها و ناگفته ها درباره مرحوم علامه سید علی آقا قاضی رحمته الله، صادق حسن زاده و محمود طیار مراغی، قم، انتشارات آل علی علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۷۶.

ظاهری بسیار مرتب و تمیز  
داشتند؛ موها و دستهایشان  
را حنا می زدند، به تمیزی  
کفش خیلی اهمیت می دادند  
و عطر و بوی خوش  
استعمال می نمودند

ندیدم تا اینکه چند روز بعد در صحن حرم  
مظهر او را ملاقات نمودم و از نتیجه دعا  
پرسیدم. او گفت: وقتی به منزل رسیدم،  
دیدم همسرم سالم و تندرست بیدار شده و  
از خضر مرگ رهایی یافته و مشغول  
امورات منزل است.<sup>۱</sup>

### ۵. طن الأرض

علامه بزرگوار سید محمدحسین  
طباطبایی رحمته الله علیه فرمودند:

«مرحوم قاضی همیشه در ایام  
زیارتی، از نجف اشرف به کربلا مشرف  
می شدند. هیچ گاه کسی ندید که او سوار  
ماشین شود و از این سزا حدی مطلع نشد،  
جز یک نفر از کسبه بازار ساعت (بازار  
بزرگ) که به مشهد مقدس مشرف شده بود  
و مرحوم قاضی را در آنجا دیده بود و از  
ایشان اصلاح امر در گذرنامه خود را  
خواسته بود و ایشان هم اصلاح کرده  
بودند. آن مرد به نجف آمد، افشا کرد که من  
آقای قاضی را در مشهد دیدم. مرحوم  
قاضی خیلی عصبانی شدند و گفتند: همه  
می دانند که من در نجف بوده ام و مسافرتی  
نکرده ام.»<sup>۲</sup>

علی قاضی، پس از سالها تدریس معارف  
عرفانی و تربیت شاگردانی الهی، در روز  
دوشنبه چهارم ماه ربیع الاول سال ۱۳۶۶  
ه. ق مطابق با هفتم بهمن ماه ۱۳۲۴ ه. ش  
در نجف اشرف وفات یافتند و از این دنیای  
فانی رخت بر بستند و در وادی السلام نزد  
پدر گران قدرشان مدفون گردیدند. مدت  
عمر شریف ایشان هشتاد و سه سال بود.  
روحشان شاد و راهشان پر رهرو باد!<sup>۳</sup>  
در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن  
من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می رود

۱. همان، ص ۱۶۶.

۲. همان، ص ۱۱۲.

۳. صلح کل، ناگفته هایی درباره زندگی مرحوم  
آیه الله سید میرزا علی قاضی رحمته الله علیه، صص ۱۲-۱۳.

### ارتحال

سرانجام آیه الحق، مرحوم میرزا سید